

The Study of Folklore Elements in Bakhtiari Poems

Zhila Khanjani^۱

Abstract

One of the important tools for preserving and presenting cultural elements is folklore and dialect. Folklore is the knowledge about beliefs, opinion, creeds and ethical and today, it is the study field of anthropologist and sociologist. Folklore contains: tales, legends, myths, compositions, songs and anecdotes of past which conveys generations to generations. As we know the poems are the best way for conveying the folklore and culture of people. Therefore in present research, some Bakhtiari poems and poets are chosen and the researcher is trying to investigate the usage of folklore and cultural elements in poems of Bakhtiari poets. The main points of this research are studying the reflection of of cultural elements and folklore in some poems in Bakhtiari poets. The results show that Bakhtiari poets have known that folklore gives identity, unity, adaptability, relaxant so they have used cultural elements and folklore in their poems.

Key words: Folklore, Culture, Bakhtiari, Current Poet, Ceremonies.

بررسی عناصر ادبیات عامه در اشعار شاعران

بختیاری

ژیلا خانجانی^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که اقوام مختلف برای حفظ و ارائه شاخص‌های فرهنگی خود از آن بهره جسته‌اند، گویش و فرهنگ عامه آن قوم است. فرهنگ عامه یا فولکلور، دانشی درباره زندگی، آداب و رسوم، عادات و عقاید، اخلاق و منش‌های زیستی انسان است و امروزه به عنوان یکی از عناصر فرهنگ مورد مطالعه جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و پژوهشگران قرار گرفته است. فرهنگ عامه شامل: قصه‌ها، افسانه‌ها، اسطوره‌ها، تصنیف‌ها و ترانه‌ها، امثال و حکم و آداب و آیین‌هایی است که از گذشته‌های بسیار دور، سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر در میان اقوام منتقل شده است. پژوهش حاضر با بررسی سروده‌های بومی قوم بختیاری به کاربرد فرهنگ عامه و شاخص‌های فرهنگی این قوم در شعر شاعران پرداخته است و هدف کلی آن، بازتاب عناصر فرهنگی در شعر شاعران معاصر بختیاری است. نتیجه به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که شاعران معاصر بختیاری از تبعات هویت-بخشی، وحدت‌بخشی، انطباق‌پذیری و آرامش‌بخشی فولکلور در آثارشان آگاه بوده و به همین دلیل در اکثر اشعارشان از عناصر فولکلور و آداب و رسوم رایج مردم بختیاری استفاده می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: فولکلور، فرهنگ عامه، بختیاری، شاعران معاصر، آداب و رسوم.

^۱.Assistente Professor of Persian Language and Literature at Payame Nour University.

۱. استادیار گروه ادبیات و زبان‌های خارجه، دانشگاه پیام‌نور.
jilakhanjani@gmail.com

مقدمه

تاریخ کهن ایران در طول تاریخ شاهد تعامل و همزیستی فرهنگ‌های گوناگون بوده است. فرهنگ عامه یکی از شاخه‌های مهم فرهنگ هر ملتی می‌باشد و مجموعه‌ای از دانستنی‌ها، اعمال و رفتاری است که در بین مردم عامه بدون در نظر گرفتن فواید علمی و منطقی آن، سینه به سینه و نسل به نسل به صورت تجربه به ارث رسیده است. (روح الامینی، ۱۳۸۲: ۲۶۶) امروزه بر اثر پیشرفت علوم و افکار جدید کم‌کم فرهنگ عامه هم ارزش خود را از دست می‌دهد و تمام عناصر فرهنگ سنتی، ملی و محلی، آداب و رسوم، اعتقادات، پیشه‌ها و کارافزارها، پزشکی و سنتی و جز اینها به فراموشی سپرده شده است. به همین سبب تحقیق درباره فرهنگ عامه و مطالعه در ادبیات هر منطقه برای شناخت مردم آن منطقه امری ضروری است. در این زمینه، ترانه‌ها و اشعار عامیانه نقش مهمی دارند. این اشعار سادگی مردم را به نمایش می‌گذارند و با عواطف و هیجانات ساده سر و کار دارند و وصف‌کننده جلوه‌های طبیعت هستند و سرچشمه بسیاری از افکار بشری و بیانگر تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌های زنده و گویای مردمی است که احساسات خود را به صورت بدیهی مطرح می‌کنند. (محبوب، ۱۳۸۷: ۴۷؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۴۷؛ تمیم-داری، ۱۳۹۳: ۴۹)

تحقیق حاضر سعی دارد با بررسی سروده‌های بومی قوم بختیاری به سؤالات زیر درباره فرهنگ عامه و شاخص‌های فرهنگی این قوم پاسخ دهد:

۱. فرهنگ عامه در شعر شاعران بختیاری چگونه تجلی یافته است؟

۲. چه گونه برجسته‌ای از فرهنگ عامه در شعر شاعران معاصر بختیاری دیده می‌شود؟
نمونه‌های آماری انتخاب شده از شاعران معاصر به همراه اسم شعر در زیر آمده است:

- بهمن علاء‌دین (مسعود بختیاری): اشعار بهیگ، هیاری، برزگری، وارگه نو، گوگ خوشخون، گوگ نازنین، مال کتون.

- روشن سلیمانی: نسل آفتو، مال کتون، عیدبهار، لچک ریالی، درد دل.

- قهرمان محمدی: دندال، گل کاغذی، اقبال کوهسار، جاسوس فرنگ.

- عبدالعلی خسروی (قائد بختیاری): او کوثر، برُم یا بمهَنُم، ای دا وار مُو، دُدِر چل گیس، برد شیر.

- داراب رئیسی: روزگار بختیاری، روح سرگردان، بهاریه.

- مهرداد ناصری: آورلون، شاه دل، کهنه صیاد، کوگ کُهسار، مِلِ گُرگ.

- قاسم سلیمانی: سلام، شلیل.

- محمد جلیلی: خروسخون.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی درباره آداب و رسوم ایران صورت گرفته است. در قرون وسطی مورخان و سیاحان و جغرافیدانان در کتاب‌های خود به مسائل فرهنگ عامه توجه داشتند. آنچه اهمیت این تحقیق را بیشتر نمایان می‌سازد، این است که اولاً در این تحقیق بیشتر به آداب و رسوم و آیین‌هایی پرداخته می‌شود که شاعران معاصر بختیاری در اشعارشان به آنها اشاره کرده‌اند و می‌تواند برای علاقه‌مندان به

بختیاری). این سه کتاب که هر کدام موضوع جداگانه- ای دارند به آداب و رسوم بختیاری، کلمات گویشی بختیاری، پیشینه قوم بختیاری، اشعار محلی و فولکلور بختیاری و حماسه‌ها و جنگ‌های بختیاری اشاره می- کنند.

۳. *اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری* (۱۳۷۶)، نوشته بیژن حسینی. این کتاب شامل اشعار و ترانه‌های محلی فولکلوریک قوم بختیاری می‌باشد که از گذشته در میان مردم رایج بوده است.

۴. *گلچین تاریخ و فرهنگ بختیاری* (۱۳۷۷)، نوشته امیرحسین احمدی اورک. اشاره به گذشته قوم بختیاری و فرهنگ و رسوم این قوم دارد.

۵. *فرهنگ واژگان بختیاری* (۱۳۶۹)، نوشته علی صالحی. مجموعه‌ای کامل از فرهنگ واژگان و لغات گویش بختیاری است.

۶. *امثال و حکم بختیاری* (۱۳۸۱)، فولکلور مردم بختیاری (۱۳۹۱)، شیر سنگی (۱۳۹۳). هر سه کتاب نوشته عباس قنبری عدیوی. این کتاب‌ها هر کدام به موضوعی از فرهنگ بختیاری اشاره می‌کنند. مثلاً کتاب *امثال و حکم بختیاری* تمام ضرب‌المثل‌ها و حکایات و کلمات قصار در بختیاری را بیان می‌کند یا کتاب *شیر سنگی* به چگونگی اعتقاد بختیاری درباره بزرگان و مشاهیر و بزرگداشت آنها پس از مرگشان می‌پردازد.

۷. *هزار و یک سخن در امثال و حکم و فرهنگ عوام* هر دو کتاب تألیف امیرقلی امینی. امینی با مراجعه به مردم و استفاده از زبان مردم کوچه و بازار توانست اصول فولکلوریک را تنظیم و این دو کتاب را تألیف نماید. امیرقلی امینی در میان نویسندگان ایرانی

فرهنگ عامه منبعی بسیار غنی باشد. ثانیاً این نویسندگان معمولاً قبل از انقلاب نوشته‌اند و آثار ایشان نیز کمیاب و دسترسی به آنها مشکل است. از جمله پژوهش‌های انجام شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پژوهش‌های خارجی

۱. *سفرنامه هنری لایارد* (۱۸۴۰ میلادی)، ترجمه مه‌راب امیری (۱۳۶۷). سفرنامه‌ای است که نویسنده در طول مدت حضور در میان مردم بختیاری آن را نوشته است.

۲. *سفرنامه راولینسون* (۱۳۶۲)، ترجمه اسکندر امان- اللهی بهاروند. شرح خاطرات نویسنده در سفرش به ایران و حضور در میان قوم لر است.

۳. *از بیستون تا زردکوه* (۱۳۷۵)، نوشته ایزالا بیشوب، ترجمه مه‌راب امیری. خاطرات نویسنده درباره آداب و رسوم اقوام لر و کرد در ایران است.

۴. *با من به سرزمین بختیاری بیاید* (۱۳۷۵)، نوشته الیزابت مکبن روز، ترجمه مه‌راب امیری. شرح سفر نویسنده و خاطراتش در میان قوم بختیاری و توصیف زنان بزرگ بختیاری (بی بی) است.

- پژوهش‌های داخلی

۱. *ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری* (۱۳۷۲)، نوشته احمد عبداللهی موگویی. شامل ترانه‌های محلی بختیاری و مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها به زبان بختیاری است.

۲. *تاریخ و فرهنگ بختیاری* (۱۳۷۲)، *فرهنگ و ادبیات بختیاری* (۱۳۷۵)، *بختیاری در جلوگاه فرهنگ* (۱۳۸۴)، هر سه کتاب نوشته عبدالعلی خسروی (قائد

بختیاری» (۱۳۹۴)، هر سه مقاله نوشته حمید رضایی و ابراهیم ظاهری عبده‌وند. این سه مقاله بیشتر به جایگاه زنان در قصه‌ها و ضرب‌المثل‌های بختیاری و همچنین در اشعار شاعران بختیاری می‌پردازند.

۱۵. «نگاهی اجمالی به ادبیات عامه قوم بختیاری» (۱۳۹۵)، نوشته ژیلا خانجانی. در این مقاله به برخی از واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به دعا و نفرین پرداخته شده است.

۱۶. فرهنگ عامه بختیاری (۱۳۹۵)، نوشته منوچهر شفیعیانی و بهرام داوری بابادی. این کتاب در دو بخش نوشته شده که بخش اول مربوط به پژوهش‌های منوچهر شفیعیانی درباره فولکلور قوم بختیاری و بخش دوم مربوط به پژوهش‌ها و اشعار بهرام داوری می‌باشد.

مبانی نظری تحقیق

۱. فرهنگ عامیانه / فولکلور فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر فرهنگ عهده دارد. به عبارت دیگر، توانایی‌ها و عادت‌هایی است که آدمی به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند. (کلاینبورگ، ۱۳۵۵: ۹۵) بیهقی می‌گوید: فرهنگ مجموعه ارزش‌ها و دستاوردهای مادی و معنوی است که به وسیله انسان‌ها در طی تاریخ آفریده شده و شکل گرفته است. (بیهقی، ۱۳۶۷: ۱۴) تعاریف گوناگونی برای فولکلور ارائه شده است، این تعاریف گاه به هم بسیار نزدیکند و گاه فاصله‌ای نسبتاً بعید از هم دارند. فولکلور از دو

نخستین کسی بود که در تنظیم فولکلورها اصول مراجعه به خود مردم را به کار بست. (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۴/ ۴۴۷)

۸. آداب و رسوم و فرهنگ ایل چهارلنگ بختیاری (۱۳۸۵)، نوشته رضا سرلک. این کتاب به آداب و رسوم ایل چهارلنگ ساکن در لرستان و به خصوص شهر الیگودرز پرداخته است.

۹. نماد در فرهنگ بختیاری (۱۳۸۶)، نوشته حسین مددی. بیشتر به نمادها و کهن‌الگوها و اساطیر در قوم بختیاری اشاره دارد.

۱۰. دانشنامه قوم بختیاری (۱۳۹۳)، نوشته سریا داودی حموله. جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب حال حاضر درباره آداب رسوم و فرهنگ قوم بختیاری می‌باشد. این کتاب به تمام زوایای فرهنگ عامه پرداخته است.

۱۱. مقاله «بررسی مفاهیم سوگ در قوم بختیاری با تأکید بر تحلیل موسیقی گاگریو» (۱۳۹۳)، نوشته سوده مقصودی و پژمان شیرمردی. پژوهشی است در مورد سوگ و عزاداری و گاگریو خوانی (مویه) در قوم بختیاری.

۱۲. پایان‌نامه ترانه‌های عامیانه لری (۱۳۹۳)، نوشته کمال شیخی، دانشگاه پیام‌نور شهرکرد. تحقیق و پژوهش درباره ترانه‌های قدیمی لری و بختیاری است.

۱۳. گردآوری و بررسی و تحلیل ادبی و فرهنگی سوگ سروده‌های عامیانه بختیاری (۱۳۹۳)، نوشته مسعود حسین‌زاده، دانشگاه پیام‌نور شهرکرد. مجموعه‌ای از سوگ سروده‌ها و اشعار غمگین در خصوص عزا و ماتم را در این پایان‌نامه می‌توان دید.

۱۴. «جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری» (۱۳۹۴)، تصویر زن در قصه‌های عامیانه بختیاری» (۱۳۹۲)، «تأثیر جنسیت بر اشعار عامیانه

زندگی توده عوام در کشورهای متمدن می‌پردازد که دارای دو پرورش می‌باشند: یکی مربوط به طبقه تحصیل کرده و دیگری مربوط به طبقه عوام. (هدایت، ۱۳۷۸: ۲۳۳) هرچند ادبیات عامه مربوط به اعتقادات و آداب و رسوم انسان‌های ابتدایی و طبقات کم فرهنگ جامعه می‌شود، اما بسیاری از آنها در میان مردم جوامع پیشرفته و افراد باسواد نیز مرسوم است. از این جهت بسیاری از مردم‌شناسان ادبیات عامه را آیین شویو تفکر و ارزش‌های فرهنگی ملت‌ها می‌دانند. (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۸) به لحاظ روش‌شناسی در این - گونه مطالعات باید از حاشیه‌ای شدن، فردی شدن، جعلی بودن، شایع نبودن و کارکردی نبودن عناصر دوری جست. در حوزه فولکلور افراد اهل فن و علاقه‌مندی مثل هدایت، جلال آل احمد، شاملو و انجوی فعالیت کرده‌اند و هر کدام روش ویژه‌ای برای کار خود داشته‌اند. (سیاروخانی، ۱۳۸۶: ۱۷)

۲. کاربرد عناصر فولکلوریک

موضوعات فولکلور به چند دسته تقسیم می‌شود:

- امثال و حکم، چیستان‌ها، لغزها، زبان‌زدها، بازی‌های زبانی، زبان‌های زرگری، زبان مخفی، تشبیهات عامیانه، یادگاری‌ها، دیوان‌نوشته‌ها و ماشین نوشته‌ها، نفرین‌ها، اشعار نوازشی و حاضر جوابی‌ها.
- اساطیر، حکایات اسطوره‌ای، افسانه‌ها، قصه‌های پهلوانی، حکایات واقعی و لطیفه‌ها.
- آن دسته از آداب و رسوم مذهبی که در میان مردم رواج دارد. مثل: انواع سفره‌های نذری، قمه‌زنی، اعیاد مبعث، قربان، غدیر، فطر، مولودی‌خوانی، آداب اماکن

بخش لاتین (folk) به معنای توده مردم و عامه و به طور کلی عوام که در معنای غیر تخفیف‌آمیز آن در برابر خواص (نخبگان و فرهیختگان) قرار دارد و lore به معنای دانش، ادب و مجموعه‌ای از معارف و دانستنی‌های غیر تخصصی گرفته شده است. نخستین کسی که این کلمه را به عنوان اسم این رشته مبسوط اختیار کرد، آمبروز مورتون است. او می‌نویسد: «آنچه ما در انگلستان رسوم باستانی عامیانه یا ادبیات عامیانه می‌نامیم را می‌توان دقیقاً با یک ترکیب خوب ساکسونی؛ یعنی فولک - لور یا دانش عامیانه بیان کرد». (محبوب، ۱۳۸۷: ۱۷)

مهم‌ترین ویژگی فرهنگ مردم شفاهی بودن آن است. این دانش در حیطه خانواده و جامعه آموخته و آموزانده می‌شود و در حافظه ماندگار آنها ثبت می‌شود. فرهنگ عامه شامل قصه‌ها، افسانه‌ها، اسطوره‌ها، تصنیف‌ها و ترانه‌ها، امثال و حکم و آیین‌هایی است که از گذشته‌های بسیار دور، سینه به سینه، از نسلی به نسل دیگر در میان اقوام منتقل شده است. فرهنگ عامه برخاسته از مردم عامه و بدین سبب آیین تمام‌نمای تجلی واقعیات زندگی آنان است. در این نوع فرهنگ و ادبیات می‌توان تمام خصایص اجتماعی و فرهنگی مردم اعم از اندیشه‌ها، باورداشت‌های قومی، اعتقادات، رفتار و منش‌های اجتماعی را به وضوح مشاهده کرد. (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۷۴) از آنجا که موضوع مطالعه فولکلور، بررسی جنبه‌های مختلف زندگی عامه است، می‌توان گفت فولکلور در جوامعی وجود دارد که افراد آن جامعه دارای دو نوع پرورش عوام (مردم کوچک و بازار) و خواص (نخبگان) باشند. فولکلور به مطالعه

آبی که ده‌ها نامیده می‌شد مسکن گزیدند که بعدها این محل را «بخت آر» نامیدند. (خسروی، ۱۳۷۵: ۵۴)

به گفته رومن گیرشمن در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد در پارسوماش (مسجد سلیمان) کنونی و (انشان) ایذه کنونی در کوه‌های فرعی سلسله جبال بختیاری در مشرق شوشتر، ناحیه واقع در دو سوی ساحل کارون، نزدیک انحنای بزرگ این شط، پیش از آنکه به سوی جنوب برگردد، مستقر شدند. حضور و نقش بختیاری‌ها در هفت دهه و تلاش سازنده و مؤثرشان در تاریخ معاصر ایران باعث شد که مجلس و نمایندگان مردم در یازدهم ۱۳۲۷ ه.ق. از کوشش‌های آنها و حاج علی قلی خان سردار اسعد به صورت رسمی قدردانی کنند. (دانشور علوی، ۱۳۷۷: ۱۹۵)

بختیاری سرزمین هزار و یک آیین است. فرهنگ، هنر، آیین، سنت، باور و زبانش میراث نیاکانی است که در تمام صحنه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی پیشاهنگ بوده‌اند. بیشتر آیین‌های اعتقادی بختیاری برجا مانده از عهد باستان هستند و رنگ سنتی - عرفی دارند. آیین‌های سنتی تولد، مرگ، ازدواج، کاشت، داشت و برداشت، غله چینی و خرمن‌کوبی، حماسه و مکان رویدادها و حوادث تاریخی و فرهنگی ریشه در زندگی اجتماعی - اقتصادی دارند. شعر و ادبیات قوم بختیاری نیز مانند دیگر اقوام ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشته و مانند سایر ایلات و عشایر ایران شفاهی بوده و هیچ‌گاه مدون نگردیده؛ بلکه سینه به سینه نقل شده است. شعر، جان‌مایه زندگی ایل است؛ اگرچه شاعری در ایل سمت و شغلی نیست، اما شعر حضوری فعال و چشمگیر در زندگی بختیاری دارد. به طور کلی ادبیات قوم بختیاری وسیله تعامل و ارتباطشان بوده و آنچه از ادبیات عامه در بختیاری داریم، حاصل انتقال

مقدسه، قدمگاه اولیا، چشمه‌ها و درختان نذرکرده و انواع قربانی.

- آداب و مراسم عروسی (خواستگاری، بله برون، نامزدی) ناف بریدن پسر و دختر برای هم، الزام ازدواج دختر عمو و پسرعمو، ختنه سوران، بریدن ناف بچه، خواندن اذان در گوش بچه، نام‌گذاری و طبابت‌های خاص ماما.

- اعمال سفر، آشتی کردن، حلالیت طلبیدن، چاووشی خواندن، چهارشنبه سوری، نوروز و حاجی فیروز، بخت‌گشایی، عیدی دادن و گرفتن، سیزده بدر.

- مرگ و تشییع جنازه، انواع سوگواری مثل: سربرهنه کردن و پابرنه کردن، حجله گرفتن برای جوانان، گیس بریدن زنان، سیاه پوشیدن، خیرات برای میت و مراسم سوم، هفته، چهلم و سالگرد.

- جادو و جنبل، فالگیری، شیوه‌های جلب محبت، مهره مار، جارو کردن، خوابگزاری و سوگند خوردن.

- کشاورزی، شیوه کاشت، داشت و برداشت، تقسیم محصول، دعای خرمن، آبیاری، طلب و بند آمدن باران.

- دامداری، اسامی دام‌ها، چرای دام‌ها، استخدام چوپان و مزد او.

- انواع بازی‌های کودکان و بزرگسالان و اشعار بازی - ها. (محبوب، ۱۳۸۷: ۶۱-۵۹)

۳. سرزمین بختیاری

عبدالعلی خسروی از قول هرودوت می‌نویسد: بختیاری‌ها از نژاد قدیم ایرانی هستند که از کوه‌های آرات و قفقاز به سوی مغرب حرکت کردند. عده‌ای به جنوب رود جیحون (بلخ) رسیدند و چون اراضی آنجا را خوب، وسیع و بلامنازعه یافتند، در کنار نهر

گرمسیر، خود را با شرایط منطقه وفق داده و مراحل عروسی را پشت سر هم انجام می‌دهند؛ اگرچه ممکن است بین نامزدی تا عروسی فاصله‌ای باشد، ولی در اکثر موارد پس از موافقت خانواده عروس فعالیت‌های زیر به ترتیب انجام می‌گیرد:

۱. بله برون؛ ۲. بلکه برون؛ ۳. قند اشکنون؛ ۴. پا اشکنون؛ ۵. حنا بندوق؛ ۶. عقد؛ ۷. عروسی؛ ۸. سرانداز؛ ۹. ری گشون؛ ۱۰. پاکشون. (داوودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۴۷)

بله برون: اگر خانواده‌ای بخواهند دختری را برای پسرشان خواستگاری کنند، اول کسی را برای سنجیدن نظر دختر می‌فرستند که به آن کخدا دژه (کدخدای دزدکی) می‌گویند. ارتباط پسر و دختر در عشایر امری قبیح و در عین حال مذموم و غیر ممکن است. پس از جلب نظر خانواده دختر، گروهی از مردان و زنان برای انجام عمل رسمی خواستگاری حضور پیدا می‌کنند. این امر، مهمانی معمولی است که میزبان آن، پدر دختر است. چند نفر ریش سفید، میان سال و جوان همراه تعدادی از زنان حضور یافته و مراسم خواستگاری را انجام می‌دهند. گاهی پدر دختر برای موافقت، هدیه می‌خواهد. در گذشته رسم بود تفنگ، پول نقد، اسب یا احشام را به عنوان زون گشون (زبان گشودن) می‌دادند. این مرحله نخست یا همان بله برون است. (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۲۴۲)

بلکه برون: در این مرحله عده‌ای از زنان به همراه یکی دو نفر از مردان برای دختر لباس، هدیه و پیشکش می‌آورند. البسه و هدایا شامل یک روسری

دانش به شکل سینه به سینه است. (خسروی، ۱۳۸۴: ۳۵۲)

۴. آیین‌ها و سنت‌های قوم بختیاری

مضامین شعر قوم بختیاری چون سایر اقوام انسان محور و در جهت نوعی همدلی با آدمی در مراحل یا زمان‌های معینی است. مثل عروسی، سوگ، حماسه و آنچه به زندگی ایلی ربط و پیوند دارد. شعر اغلب شاعران بختیاری راوی اسطوره‌ها، آداب و رسوم ایلیاتی و هنجارهای فرهنگی قوم بختیاری است. این اشعار سرشار از آداب و آیین‌هایی است که در گذشته قوم بختیاری با آنها زندگی کرده و حیات و ماندگاری او را رقم زده است. در ادامه به برخی آداب، سنت‌ها، آیین‌ها و رسومی اشاره شده است که در میان قوم بختیاری جاری بوده و شعرای بختیاری زبان درباره آنها به سرایش پرداخته‌اند:

۴-۱. عروسی

از مراسم بسیار مهم ایل بختیاری آداب و رسوم ازدواج است. بعضی از آداب این مراسم شاید به ظاهر کم اهمیت به نظر آید، اما هر کدام ریشه در تاریخ این قوم دارد و رعایت آن برای همیشه ضروری می‌نماید. مراسمی که در اینجا شرح داده می‌شود، مربوط به زمانی است که هنوز پای مردم به شهرها باز نشده بود و مراسم اصیل بومی و ایلیاتی هنوز رنگ شهری به خود نگرفته بود. (سرلک، ۱۳۸۵: ۳۳) ایل بختیاری به علت نوع زندگی و حضور موقت در سردسیر و

۶. با توجه به تعداد زیاد اشعار، تنها به یک شعر زیر هر شاخص فرهنگی اشاره شده است.

شاد هفت‌رنگ، چادر سفید، پارچه‌های رنگی، لباس محلی (پیراهن، لچک، شلوار قری و کفش) با تزئینات، گوهر و طلا است. برای اقوام دختر نیز هر کدام هدیه-ای تهیه می‌کنند که به آن سررختی می‌گویند. افرادی که بلکه عروس را می‌آورند، اشعار و سروده‌هایی را به صورت گروهی می‌خوانند که دارای ریتم تند و شاد است. (داوودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۴۸)

قند اشکنون یا شیرینی‌خوران: این مرحله با حضور جمع بیشتری از اقوام دو طرف انجام می‌گیرد و به صورت یک مجلس رسمی درمی‌آید. در این مجلس پاگیره نوشته می‌شود. پاگیره، متن توافقی ازدواج است که در آن موارد متعددی چون مهریه، شیربها، جهیزیه و.... ثبت می‌شود. (همان: ۲۵۰)

باروزی: خرج مطبخ یا باروزی به نسبت تعداد مدعوینی تعیین می‌شود که شب حنابندان در منزل پدر عروس شام می‌خورند و عبارت است از: گوسفند زنده، آرد، برنج، حبوبات، روغن، قند، چای، تنباکو، سیگار و... تهیه این وسایل و لوازم به عهده پدر داماد است. (سرلک، ۱۳۸۵: ۳۶)

سرانداز: هنگامی که می‌خواهند عروس را از خانه پدر بیرون ببرند، بر سر او نقل، پول و شکلات می‌ریزند و برای سلامتی آنها صلوات می‌فرستند، زنها کل می‌زنند و همزمان با آنها تشمال‌ها هم می‌نوازند. (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۲۴۴)

گرزنون: عروس قبل از ورود به خانه داماد توقف می‌کند (به اصطلاح گر می‌زند) و تا از پدر داماد یا خود او هدیه‌ای نگیرد وارد خانه نمی‌شود. این هدیه می‌تواند بر حسب توان مالی داماد، اسب، گوسفند، زمین، پول و.... باشد. پس از دادن هدیه، گوسفندی را پیش پای آنها قربانی می‌کنند تا پا در

خون گذاشته و وارد خانه شوند. گرزنون، پاداش دادن به عروس یا همان حق قدم است. (داوودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۵۴)

ری گشون: از ورود عروس به خانه داماد تا غروب آفتاب، زنان و مردان شادی و هلهله می‌کنند و در پایان هدایای خود را به عروس و داماد تقدیم می‌کنند. برخی با آمدن نزد عروس روبند او را بالا زده (ری گشون) به او تبریک می‌گویند و برایش دعا می‌کنند. مادر داماد هم از هدایایی که عروس با خود آورده به مهمان‌ها می‌دهد. این هدایا اغلب جوراب، دستمال و شکلات هستند. (همان: ۲۵۵)

پاگشون: پدر عروس پس از چند روز عروس و داماد را به خانه خود دعوت می‌کند و از آنها پذیرایی می‌کند و به آنها چشم روشنی می‌دهد. به پیروی از پدر عروس همسایگان و سایر فامیل‌ها نیز عروس و داماد را به خانه خود دعوت می‌کنند. (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۲۴۵)

دوالالی خوانی: یکی از شادترین منظومه‌ها و ترانه‌های ایل بختیاری دوالالی (داماد- لیلی) است. این ترانه‌ها در روز عروسی به صورت دسته‌جمعی، توسط زنها خوانده می‌شوند. در گذشته به خاطر حس برتری مردها مخاطب اشعار دوالالی داماد بود. این اشعار و ابیات جزو ملودی‌های چند صدایی هستند که هر شعر ریتم مخصوص دارد. این اشعار هماهنگ و هم‌آوا خوانده می‌شوند و ترجیع‌بندها در آخر ابیات همسرایی می‌شوند و اعتبار، نژاد و ارجمندی خانواده‌ها را یادآوری می‌کنند. (همان: ۱۳۳)

نام شعر: لچک ریالی

شاعر: بهمن علاءدین (مسعود بختیاری)

تنگ منار یادت ایا عروسی

دَوْرِ بَهِیْگِ وُ نُوْدُوْا اِکْفَتِن
 همه مردان و زنان دور داماد و عروس گرد می -
 آمدند و رقص و پایکوبی می کردند.
 بَهِیْگَمون سوارِ مادیونی
 اُبردنس به چادرا دُوونی
 عروسمان را بر مادیانی سوار کرده و به چادرهای
 پایینی می بردند.

اُبردنس اِگوی به وارگه اُفتو
 اِگوی که مَه نِ دانِ شی به اُفتو
 گویی او را به خانه آفتاب می بردند و انگار که
 عروسی ماه و خورشید است.
 اُفتو وُ مَه بَهِیْگِ وُ نو دُوَاهن

تنگ مُنار ایلِ بگو بیاهن
 خورشید و ماه، عروس و داماد هستند ای تنگ
 منار، ایل بختیاری را بگو جمع شوند.
 کِلِ بَزِنِ بخونن وُ بُوَازِن

تموم ایلِ مو به نَشَم وُ نازِن
 هلهله و شادی کنند و همراه هم ترانه بخوانند و
 برقصند و همگی ناز و کرشمه کنند.

در اشعار بالا به چند آیین از فرهنگ‌های قوم
 بختیاری اشاره شده از جمله: آیین چوب بازی، آیین
 پوشیدن لباس محلی توسط مردان و زنان در مراسم
 عروسی و

در شعر بالا به آیین چوب بازی که یکی از
 رسوم قوم بختیاری است و بیشتر در مراسم عروسی
 آن را اجرا می کنند، نیز اشاره شده است.

۴-۲. چوب بازی و ترکه بازی

دُهدَرِ مرداس وُ کُرِ خُروسی
 دره کوه منار آیا عروسی دختر مرداس و پسر
 خروسی را یادت هست؟
 زَنگَلِ وُ دُهدَرُونِ خمیرِ اِشِشْتِن
 نون لری به چاله ایبرِشْتِن
 دختران و زنان خمیر ورز می دادند و نان محلی
 می پختند.

به ساز و کرنا هُفِ اِیکردِ میرشکال
 تَرکه زِ سُهراوِ دَلکِ زِ صیدال
 نوازنده با ساز و کرنا آهنگ چوب بازی را می -
 نواخت و مردان (سهراب و صیدال) چوب بازی می -
 کردند.

بازی اِیکردِنِ همه وا دل وُ جُون
 زورِ خُنه به یک ایدادن نشون
 همه مردان ایل چوب بازی می کردند و با هم زور
 آزمایی می کردند.

دُرگَلِ وُ زَنگَلِ ، همه مینا به سر
 همه زِ دَمِ رَخْتِ لری سون به وِر
 دختران و زنان همگی لباس‌های محلی بختیاری
 بتن داشتند.

پِیایِلِ وُ جَاهِلون، دوون وُ بالا
 به سَرِ کُله ، به وِرِ دَویت وُ چوقا
 مردان و جوانان ایل همه لباس‌های بختیاری (کلاه
 خسروی، دویت و چوقا) بتن داشتند.

پِیایِلِ وُ زَنگَلِ ، همه دسمال به دست
 هیشکی زِ شادی سَرِ گِلِ نینشست
 مردان و زنان همه در حال شادی و رقص بودند و
 هیچکس روی زمین نمی نشست.

همه اِبازستِن وُ پَا اِکْفَتِن

در بین اقوام زاگرس‌نشین ایران، رزم چوب قدمتی دیرینه و تاریخی دارد و اکنون در آیین‌های شادی و جشن به کار برده می‌شود. چوب‌بازی و دستمال‌بازی، دو آیین سنتی مناطق زاگرس‌نشین ایران هستند که خاستگاه هر دو میدان رزم بوده است. این آیین سنتی که فردوسی نیز در شاهنامه به آن اشاره کرده است، هنوز در بین ایل بختیاری اجرا می‌شود. با این تفاوت که از آیین رزمی به آیین بز می تبدیل شده است. برخی قوم‌نگاران دیرینه‌شناس قدمت آیین چوب‌بازی را قرن‌ها پیش می‌دانند، به گونه‌ای که تاریخ آن، به نبرد ایرانیان با مهاجمان مقدونی منتسب شده است. (داوودی حموله، ۱۳۹۳: ۴۷۵)

چوب‌بازی یا ترکه بازی بز می بین جوانان و افراد میان‌سال دو به دو انجام می‌گیرد و آهنگ و مراسم خاصی دارد. یک فرد چوب نازک و دیگری چوب کلفت و ضخیم را در دست می‌گیرد. کسی که چوب نازک را در دست دارد به پاهای فرد دیگر ضربه وارد می‌کند و او نیز باید از خود دفاع کند. بعد از زدن ضربه رقص‌کنان از همدیگر دور می‌شوند و به هنگام برگشت چوب‌ها را با هم عوض می‌کنند. این نمایش در واقع نوعی تمرین حمله و دفاع از خود است. (سرلک، ۱۳۸۵: ۳۸)

شاعر: مهرداد ناصری

ایخُم پاپا کُئِم جونی دیه نی

ایخوم حرفی زُئِم زوونی دیه نی

زِ بَس ترکه تر چوبازِ خَرْدُم

ایخُم وا کل کُئِم زوونی دیه نی

می‌خواهم راه بروم اما توان ندارم. می‌خواهم

حرف بز نم اما زبان ندارم. از بس که چوب مرد چوب

باز به زانوهایم خورده نمی‌توانم بلند شوم.

۳-۴. مال کُنون یا گردواری

پهنه گسترده ایران از دیرباز تاکنون جایگاه زنان و مردان کوچ‌نشین بوده است. تا آنجا که دانایان تاریخ و دیرینه‌شناسان گواهی می‌دهند، مردمان این سرزمین فرهنگی غنی و خردمندانه داشته‌اند، هیچ‌گاه فرهنگی خرافه‌پرست و اندیشه‌های خرافی و دشمنی نداشته‌اند. اندیشه‌هایشان به یکتایی روی داشته و با یاد و نام او بوده است که سال‌ها در کوچ از سرزمین‌های گرم به سرزمین‌های سرد در تابستان و از سرزمین‌های سرد به سرزمین‌های گرم در زمستان، رنج سفر برایشان هموار بوده است. (خسروی، ۱۳۸۴: ۳۴۵)

کوچ دارد زشت و زیبا نیز هم

سنگلاخ راه و رؤیا نیز هم

مال کُنون آیین تاریخی و دیرین عشایر بختیاری

است که قدمتش باید به قدمت ایل بختیاری باشد و

به زمان آغاز کوچ عشایر اطلاق می‌شود. مال کُنون، از

دو واژه (مال) به معنای تمامی اسباب، اثاثیه و اموال

از قبیل: سیاه چادر، گله و هر چیزی که در زندگی

عشایری مورد استفاده قرار می‌گیرد و (کُنون) به معنای

کندن و برداشتن است. مردان بختیاری، سحرگاه کوچ،

با صدای بلند همه را برای کوچ آماده می‌کنند. با شروع

کوچ، ایل از دهانه دره‌های تیز و برنده عبور می‌کند تا

به بلندترین ارتفاعات و محل مورد نظر (وارگه) برسد.

گذشتن از گذرگاه‌های صعب‌العبور، یکی از عجیب‌

ترین و شاید سخت‌ترین مراحل کوچ باشد. در آن

هنگامه که خود بار از ستوران می‌برند و به دست و

دوش می‌برند تا ستور را گذر از آن گذرگاه‌های

سخت کوهستان باشد و یا آنگاه که رمه و بُنه و خانوار

را بر کلکی نه چندان استوار، از خیزاب‌های رود

بوازن و ابا مه آفتو زیر اورا تب تب گروسک
 آرزومندم بالای زرد کوه پسران و دختران زیر ابرها
 قایم باشک بازی کنند (بازی محلی بختیاری).

بیا وایک سی گپون ایل زیر چل دارا جا ونیم باز
 بخونیم وا شُر شُر بر فو بیت هفت لشگر وا فلکناز
 بیا تا با هم برای بزرگان زیر درختان بزرگ فرش
 پهن کنیم و همه باصدای آبخارها ابیات شاهنامه و
 فلکناز را بخوانیم (در این ابیات به چند نمونه از
 فولکلور بختیاری اشاره شده است (مال کتون، بازی
 محلی تب تب گروسک (قایم باشک). خسرو و
 شیرین خوانی، شاهنامه خوانی، نوازنده محلی
 (میشکال)، اشاره به کبک که قوم بختیاری باورهای
 زیادی درباره آن دارند).

۴-۴. شاهنامه خوانی

در سرزمین بختیاری از دیر باز کتاب شاهنامه فردوسی
 با نام هفت لشگر مشهور بوده و کمتر خانواده‌ای پیدا
 می‌شود که این کتاب را نداشته باشد. در هر طایفه
 افراد با ذوقی بودند که شاهنامه را با سبکی خاص و
 با آوازی خوش می‌خواندند. از دورانی که قلم و کاغذ
 مورد استفاده قرار گرفته، بختیاری‌ها با نخستین کتابی
 که آشنا شده‌اند، شاهنامه حکیم فرزانه طوس بوده
 است که بیشتر در مکتب‌خانه‌ها مورد استفاده
 قرار می‌گرفته و ملاهای مکتب‌خانه دانستی‌های خود
 را در مورد این کتاب حماسی و ملی برای شاگردان
 خود شرح می‌دادند. در مجالس خوانین بختیاری
 خواندن «شهنومه یا هف لشگر» جزو برنامه رسمی
 بود. (خسروی، ۱۳۸۴: ۱۸) در جنگ‌های بختیاری
 رسم بر این بود که قبل از آهنگ و عزم جنگ، داستان-
 های رستم و اسفندیار، رستم و سهراب، رستم و

خروشان می‌گذرانند، امید و توانشان خدادادی و
 دوچندان می‌شود. سینه مردان و زنان بختیاری، مملو
 از ترانه‌های سوزناکی است که در هنگام کوچ، در
 جاده‌ها و دره‌ها، خوانده می‌شود. بدون شک حزن
 موجود در آوازه‌های بختیاری ریشه در حزن آیین مال
 کتون دارد؛ زیرا در هیچ کوچی مردان و زنان بختیاری
 نمی‌دانند با چه مصائبی روبه‌رو هستند و خواهند بود.
 نام شعر: خروسخون

شاعر: محمد جلیلی

خروس خونون وا مه چارده ایکنه ایلم گردواری
 روون ایبو چی آوه بارون هر که دشت هر دپاری
 کوچ ایل در سحرگاه شبی که ماه کامل است، مانند
 جاری شدن آب باران در دشت است.

بزن میشکال خسرو و شیرین، بیت مین سازت هی ببارته
 صدا سازت وا دلم ایگو راز کوگونه هم دووارته
 ای نوازنده، آهنگ خسرو و شیرین را بزن که به-
 جا و آهنگین است و راز صدای کبک را برایم تداعی
 می‌کند.

بزن میشکال، گاله به کرنا، پیایل زنگل بیان و بازی
 نیم وایک جور آستاره تا خروس خونون تش بلازی
 ای نوازنده، با کرنا ساز بزن تا همه برقصند و مانند
 ستاره‌ها، تا سحرگاه آتشان روشن باشد و بیدار
 بمانیم.

دلم ایخو کن کن مالا سرکه زرده وام دیار بو
 ببینیم وا تابش آفتو لابلای اورا مال و بار بو
 آرزومندم کوچ ایل را بالای زردکوه ببینم. هنگامی
 که آسمان نیمه ابری است و آفتاب از میان ابرها می-
 تابد.

مو مندیرم کرگل درگل، سرکه زرده هم و ابا یک

اشکبوس، هفت خوان و ... برای تهییج سواران جنگی خوانده می‌شد و باعث می‌شد سوار سر از پا نشناسد و خود را به قلب دشمن بزند. شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، بزرگ‌ترین منظومه حماسی ما و شناسنامه ملی ایرانیان و فارسی‌زبانان است. اقوام و عشایر ایران نیز این اثر را از هزاره پیشین تا کنون آموخته و سینه به سینه آن را به فرزندان خود رسانده‌اند. روح سلحشوری و حماسی مردم بختیاری، آنها را به این اثر سترگ، علاقه‌مند و وفادار نگه داشته است. استفاده از نام‌های ایرانی شاهنامه در فرهنگ مردم بختیاری و خواندن ابیات آن در رخداد‌های مختلف همچون مجال سوگواری یا سنگ قبرها (برد شیرها) و ... از این پیوند تاریخی سخن می‌گوید. بختیاری‌ها به شاهنامه «هفت لشگر» و در تلفظ «شهنومه» می‌گویند. مردان و زنان بختیاری، ده‌ها و صدها بیت از این اثر بزرگ را از بر می‌دانند و در رخداد‌های تلخ و شیرین، پندها و اندرزها، رزم‌ها و بزم‌ها و ... با صدای خاص آن را می‌خوانند. داستان‌های رستم و اسفندیار، رستم و سهراب، هفت خوان، سیاوش و ... از جذاب‌ترین و رایج‌ترین روایت‌ها در بین بختیاری‌هاست. برخی شاهنامه‌خوانان، با بهره‌گیری از صدای خوش، روح حماسه و دلاوری را در بین جوانان ایل زنده نگه داشته‌اند. این شیفتگی به فرهنگ بی بدیل شاهنامه، سبب شد تا «جواد خسروی‌نیا» پژوهشگر و شاعر بختیاری، در یک اقدام ابتکاری به بازسازی داستان‌های بهین‌نامه باستان پرداخته و شاهنامه بختیاری را پدید آورد. (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۷۲)

شعر: خروسخون

شاعر: محمد جلیلی

بیا و یک سی گپون ایل زیر چل دارا جا ونیم باز

بخونیم وا شُرشُر بَر فو بیت هفت لشگر با فلک ناز
بیا با کمک همدیگر برای بزرگان زیر درختان
بزرگ فرش پهن کنیم و با صدای آبشارها اشعار
شاهنامه و فلک ناز را بخوانیم.

۴-۵. خسرو و شیرین خوانی

خسرو و شیرین خوانی نیز مانند شاهنامه‌خوانی یکی از سنت‌های ادب شفاهی بختیاری‌هاست. آواز خسرو و شیرین یا شیرین و خسرو، از آوازهای مشهور لری-بختیاری است که از قصه‌ای به همین نام، از حکیم نظامی گنجه‌ای برگرفته شده است و در دستگاه ماهور اجرا می‌شود. خوانندگان بختیاری، این مقام را در مجالس بسیار مهم نیز می‌خوانند. گاهی برای جوانانی که ناکام جان بسپارند، نیز از این مقام استفاده می‌کنند که بسیار جانسوز و دردناک است. (همان: ۲۱۹)

شعر: خروسخون

شاعر: محمد جلیلی

بزن میشکال خسرو و شیرین بیت مین سازت هی ببارته
صدا سازت وا دلم ایگو راز گوگونه هم دووارته
ای نوازنده مقام خسرو و شیرین را بزن زیرا که
مناسب الان است و صدای آن صدای کبکان را برایم
تداعی می‌کند.

۴-۶. شکار و صیادی

شکار و صیادی از دیر باز از جمله سرگرمی‌هایی بود که ورزش و کوهپیمایی و هنر تیراندازی را به همراه داشت. در جامعه عشایری افراد خاصی در این حرفه پیشتاز بودند و مورد توجه مردم نیز قرار می‌گرفتند. اشعاری که در زمینه صیادی، سینه به سینه به ما رسیده و به نام «بیت سرگهی» معروف است. بیانگر این

دانم شکار و صید کوهستان! بهنگام
 از شیوه های سرزمین بختیار است
 لختی درنگ‌آور! که آید فصل پاییز
 آنکه به چشمان تو صید بی‌شمار است
 تیری که هرگز برخطا راهی ندارد
 در باور من در کمان هفت و چار است
 ار ایخوی شکال کنی بیو ریم به زرده
 بز نیم بره کُهی که کار مرده
 اگر به دنبال شکار هستی بیا به زرد کوه برویم و
 بره کوهی شکار کنیم که کار مردان است.
 آر ایخوی شکال کنی رو آسماری
 میر صیاد وا خوت بور سی یادگاری
 اگر به دنبال شکار هستی به کوه آسماری برو.
 میر صیاد را همراه خودت برای یادگاری ببر.
 بیو بریم به کُهرنگ میش به گداره
 تفنگم خال ایزنه شاه چیس نداره
 بیا به کوه‌رنگ برویم که گله میش‌ها درگذرگاه
 آب می‌خورند. تفنگ من خال را می‌زند و شاه چنین
 تفنگی ندارد.
 میر شکال کُهرنگ سر بست به دسمال
 پازنون شادی کُنن ، دالون زنن زال
 شکارچی کوه‌رنگ بیمار شده و سرش را با
 دستمال بسته. شکارها شادی می‌کنند که او دیگر قادر
 به شکار نیست و عقاب‌ها ناراحت از اینکه دیگر از
 ته مانده شکار او نمی‌خورند.

وا برُم و اوچه که دال نیگره لیز
 داغ ز دَس سه تیر فشنگ گُم تیز

واقعیت است که این حرفه را در زمره کارهای عیاری
 و پهلوانی قلمداد می‌کردند و در بزرگداشت آن شعر
 می‌سرودند که به آن «بیت صیادی» می‌گفتند. (قنبری
 عدیوی، ۱۳۹۳: ۸۵)
 ورزیده‌ترین شکارچیان را در بختیاری
 «میرشکار» می‌گفتند. شکارچیان حرفه‌ای در بختیاری
 دارای مقام و منزلت والایی بوده‌اند. وقتی میر شکار
 بمیرد، در سوگ و عزایش، سنت‌های آیینی را به‌جا
 می‌آورند. اسبش را می‌آریند، به زین و برگ آن
 اسباب شکار می‌آویزند، شال سیاه روی زین می‌-
 کشند، دستمالی سیاه بر گردن اسب می‌بندند، شاخ بز
 کوهی (پازن) را به شکل نمادین روی طاق نصرت
 قرار می‌دهند، در فراق شکارچی با ساز چپی، سوگ
 سرود صیادی می‌خوانند. ابیات صیادی گاه تبدیل به
 سوگ خوانی می‌شود. برای بختیاری‌ها، چیزی زیباتر
 و دلخواه‌تر از توصیف صحنه شکار نیست. این ابیات،
 نشأت گرفته از هنجارها و پنداشته‌های قومی و
 مضامین آیینی، سنت‌ها و باورها می‌باشد که از زبان
 شکار و میر شکار گفته می‌شود. فولکلور شکار، از
 عزم صیاد تا بازگست او شامل آداب و رسوم، باورها،
 ابزار، ترانه‌ها و اشعاری است که گفته می‌شود.
 اشعاری در خصوص خاطرات شکار، کامیابی‌ها و
 ناکامی‌هایش سروده می‌شود. (داوودی حموله، ۱۳۹۳:
 ۸۴۴ و ۸۴۵)

شاعر: عبدالعلی خسروی (قائد بختیاری)

صیاد من! دانی که هنگام بهار است
 گاه درنگ آمد، نه هنگام شکار است
 بار آورند اینجا! غزالان کمر کش
 آن میش آبستن کنار چشمه سار است

می‌خواهم آنجایی بروم که کرکس هم آرامش ندارد. امان از دست نفنگ سه تیر و فشنگی که نوکش تیز است.

پازنِ زردچَمبَری، جَسْت وُر سَرِ بَرَد
خوساخوس شادی گُنه صیادِ دال خَرَد
بز کوهی زرد رنگ شاخ بلند بر روی سنگ پرید؛
شادی کنان که صیاد را عقاب خورد.

پازنه وری بَجَر که روز دراوه
أصیاد که تونه زید سالس وراوه
ای بز کوهی بلند شو و بچر؛ آن صیاد که تو را
زخمی کرد، یکسال از مرگش گذشته است.

۷-۴. هیاری (همیاری)

همیاری و کمک از زمان‌های دور همواره در بین انسان‌ها مرسوم بوده است. دورانی که ماشین‌آلات و ابزار کمکی کم بوده و بیشتر کارها به وسیله دست انجام می‌شده و مردم با کمک همدیگر کارها را انجام می‌دادند. ایل بختیاری نیز در کمک به همدیگر (هیاری) همیشه پیش‌قدم بوده‌اند. بختیاری‌ها بیشتر کارهای سخت را به صورت گروهی و دسته جمعی انجام می‌دهند. کارهایی مثل درو کردن، خرمن‌کوبی، آسیاب کردن گندم، مال کَنون، بر پا کردن سیاه چادر، درست کردن وارگه و... این روح بلند ایلیاتی و عشایری است که افراد بدون چشم‌داشت به هم کمک می‌کنند و در مسائلی چون دامداری، کشاورزی، عروسی و عزا، بافندگی و امور اقتصادی و اجتماعی خانوار، بیشتر نمایان است. در همه دوره‌های عمری و بین زنان و مردان، این همیاری به روش‌های گونه‌گون وجود دارد. (همان: ۱۱۴)

نام شعر: هیاری

شاعر: بهمن علاء‌دین (مسعود بختیاری)

بیو ریم هیاری به مال بالا

غله ها نچیده مَندِن سَرِ پا
بیاید برای کمک به مال بالایی برویم زیرا غله‌های
آنها هنوز چیده نشده‌اند.

صوو تا پَسین درو کنیم پاک غله هانه
دُرگل بَرِن پاک بَگُنن جا خَرمنانه
از صبح تا غروب همه غله‌ها را درو کنیم. سپس،
دختران جای خرمن را تمیز کنند تا غله‌ها را به صورت
خرمن درآوریم.

کُر حیونونه بیارین بووندین
وُلا ایدونم همه زَمَندین
می‌دانم همه شما خسته هستید. اما چاره‌ای نیست.

پس گاوها را برای خرمن کوبی (هوله) آماده کنید.
هوله کنیم تا دم صوو پاک خَرمنانه

کُر تو و ابا آستاره صوو بیار جَنگرانه
از شب تا صبح همه خرمن‌ها را بکوبیم (هوله
کنیم). ای پسر تو هنگام صبح جَنگر را بیاور برای جدا
کردن گندم از کاه به وسیله باد (آشیرداری).

هورانه بیارین وا یک بتینین
کیلِه بیارین گندم پینین
گونی‌های مخصوص گندم را بیاورید و آنها
را تمیز کنید. سپس با پیمانهِ مخصوص آنها را پر
کنید.

کُرگل بَرِن بار آسیووی آرکه گی ابو
دُرگل ایخون نون بَپَزِن زِ گندم نو
پسران گندم‌ها را به آسیاب ببرند و اگر نوبتشان
شد. آنها را آرد کنند. تا دختران از آرد تازه نان گرم
بپزند(اشاره به آدابی همچون هیاری (همیاری)، درو،

چهار سرنا دو به دو مقابل هم و رو به رو نواخته می‌شوند که حکایت از غم عظیمی دارد. (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۷۷۷)

۳. آیین نمایشی کُتل و کُتل گردانی: کُتل نشانه و نماد نرینگی و برگرفته از سوگ سیاوش است. یال و دم اسب متوفی را چیده و وسایل شخصی او از قبیل زین اسب، کلاه، تفنگ و شمشیر را روی اسب تزئین می‌کنند و همراه سایر اسب‌ها خلاف جهت عقربه‌های ساعت به دور جایگاه (مافه گه) می‌چرخانند. اسب کُتل نمادی از اسب بی‌سوار است. نوع موسیقی، خوانش ابیات، حرکات چرخشی اسب و تیراندازی آیین هرگ را نمادین می‌کند. (همان: ۷۸۱)

۴. آیین سوگ سرود: سوگ سرود یا سوگ حکامه‌ها دارای مضامین و محتوای آیینی - معنوی هستند که ریشه در ارزش‌های فرهنگی و سنت‌های آیینی بختیاری دارند. سوگ آوازها و آنچه مردم ایل گاگریو می‌گویند، عمدتاً بر اساس ویژگی‌های فرد متوفی متفاوت است. بر اساس اینکه متوفی زن یا مرد، پیر یا جوان بوده و اینکه از چه جایگاه و منزلتی در ایل و طایفه‌اش برخوردار است، نوع مفاهیم به کار رفته متفاوت است. (مقصودی، ۱۳۹۳: ۳۲۶)

نام شعر: شاه دل

شاعر: مهرداد ناصری

ای که شمشیرت به دو لُو ظلمه قَل قَل ایکنه
چَهَره ایبو وُ سرِ هردشمنه کل ایکنه
هر محرم که ایا وُ ایروه هی به صفر
دام قیچی سی دو شیرت وُ رِ منِ پَل ایکنه
آر یکی گُذ غیر خوت هد کس امام اولی
سی تیا هُو آر شَم جلدی کمون خَل ایکنه

جمع‌آوری گندم، خرمن‌کوبی، آسیاب کردن گندم و پخت نان از گندم).

۴-۸. مرگ و ناشادی

گیسوبری (پَل بری): گیسوبری و صورت خراشی زنان ریشه باستانی دارد. زنان به خاطر اظهار علاقه به مردان گیسوان خود را می‌بریدند. این آیین حاکی از نظام دین‌باوری زرتشتیان است و گیسوبری نماد سوگواری است. زنان بختیاری در سوگواری طی مراسمی نمادین موی خود را با قیچی می‌بریدند و با نظمی خاص بر مزار متوفی می‌چیدند و گیسوان بریده شده تا سال متوفی در جایی تمیز نگهداری می‌شد. (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۷۷۶) در نواحی روستایی و عشایری قشقای، لرستان، بختیاری، ایلام، کرمانشاه و ... مرسوم است که به هنگام خبر مرگ عزیزان زنان در آشفتگی و پریشانی سوگینه‌خوانی بخشی از گیسوان خود را می‌برند یا ناخن صورت خود را می‌خراشند. (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۷۲)

۱. آیین کندن بُهون (سیاه چادر): در میان قوم بختیاری رسم بر این است که هنگام مرگ یکی از عزیزان یا بزرگان به نشانه خانه خرابی دیرک سیاه چادر را می‌کنند یا طناب‌های نگهدارنده سیاه چادر را می‌بریدند. این آیین به جا مانده از رسمی کهن بود. بعد از مرگ بزرگ خانواده معمولاً سرای باشکوه او را ویران می‌کردند.

۲. آیین ساز چپی: بختیاری‌ها با ساز و آواز متولد می‌شوند و با ساز و آواز هم چشم از دنیا می‌بندند. نوازنده در مراسم سوگواری آهنگ حزن انگیز می‌نوازد، چوب بر دُهل می‌زند، گاهی در عزاداری‌ها

یا علی! ای که شمشیر تو با دو لب‌هاش ظلم را تکه تکه می‌کند و آنقدر برنده است که سر هر دشمنی را می‌برد. هر سال هنگام محرم و صفر مادرم گیسوانش را برای پسرانت می‌برد. اگر کسی بگوید غیر از تو کسی دیگر امام اول است، حتی آرش کمانگیر هم به سرعت کمانش را به طرف او نشانه می‌گیرد.

در این ابیات به تمام آداب و آیین‌های مراسم عزا و سوگواری از جمله گسیو بری، بر سر زدن، ساز چپی گتَل گردانی، بردشیر، گاگریو و... اشاره شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

برای شناخت مردم و فرهنگ هر منطقه، مطالعه در ادبیات آن، امری ضروری است. در این زمینه، ترانه‌ها و اشعار عامیانه نقش مهمی دارند. در فرهنگ بختیاری نیز شعر و ترانه جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که معمولاً برای انجام هر کاری از بدو تولد تا مرگ شعر خوانده می‌شود. محتوای این اشعار دربرگیرنده مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که نگرش‌ها و باورها و ارزش‌های قوم را بازنمایی می‌کنند. بنابراین، بررسی آنها می‌تواند نقش مهمی در شناخت این فرهنگ داشته باشد. باورها و ارزش‌های قومی سعی بر آن دارد تا اظهار نظرش در مورد طبیعت و حوادث آن که گاه سرشار از لذت و گاه درخواست از آن و گاه پر از اندوه است را بنمایاند و با طبیعت و آنچه در این راستا به آنان می‌نمایاند، در ارتباطی جمعی با هم تباران خود در سور و سوگ نشسته و گاه اندوه را بکاهد و گاه نیازی بطلبد و گاه از سر شادی و سوری بر پا دارد. در میان قوم بختیاری که در فلات مرکزی ایران و دو سوی زاگرس مرکزی و در میان

رشته کوه‌های مرتفع قرار دارد و شامل بخشی از استان‌های خوزستان چهارمحال بختیاری اصفهان و لرستان است، می‌توان نمونه‌های بسیاری از این گونه آیین و مراسم را جست‌وجو کرد. آیین و مراسم در بختیاری به مناسبت‌های گوناگونی برپا می‌شود و می‌تواند از تولد تا مرگ و گاه حاجات را در محدوده خود قرار دهد.

یکی از ویژگی‌های مهم این اشعار واقع‌گرایی آنهاست، به گونه‌ای که مضامین آنها پیوند نزدیکی با مسائل زندگی دارد و مباحث اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را منعکس می‌کند. بنابراین، با مطالعه این اشعار می‌توان نگرش، باورها و ارزش‌های قوم بختیاری را به تصویر کشید. اغلب شاعران بختیاری زبان معاصر در تمام اشعارشان از آداب، رسوم و فرهنگ عامه استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال در اشعار مسعود بختیاری یا روشن سلیمانی این موضوع را می‌توان دید. نکته دیگر در مورد آداب و آیین‌هایی است که در میان قوم بختیاری در حال کمرنگ شدن و از بین رفتن هستند، اما در اشعار بعضی شعرای بختیاری این آیین‌ها دیده می‌شوند و شاید این موضوع جهت یادآوری برای نسل آینده و جوانانی است که با فرهنگ و آداب و رسوم کهن سرزمینشان بیگانه هستند و این یکی از بزرگ‌ترین خطرهایی است که جامعه با آن روبه‌روست.

پی‌نوشت‌ها

۱. دی بلال خوانی: دی: دختر، ب: بهترین، لال: زیبای لاله و ش است. بلال دختر زیبا چشم و بلند بالای قوم می‌باشد که دست مایه ابیات تغزلی قرار گرفته است. دی بلال شرح هجران دوری و سختی زمانه است. در

- میان آوازاها و ترانه‌های قومی ایران دی بلال بختیاری همتای لاله‌خوانی ترکمن است.
- شُلَّیل خوانی: شُلَّیل به معنای بلند بالا و نامی برای دختران می‌باشد. شُلَّیل‌خوانی یکی از شورانگیزترین ترانه‌های قومی است که حدیث نامکرر عشق است. محتوای این ابیات، غم، دوری، هجران و مشتاقی است. نغمه‌های شلیل برگرفته از آیین‌های سنتی و باورداشت‌های اعتقادی است که به همراه نی هفت‌بند خوانده می‌شود.
- ابیات خدابس خوانی: داستان عبدالمحمد و خدابس یکی از عاشقانه‌ترین منظومه‌های اپلی است که در میان قوم بختیاری به قصه‌ای عاشقانه تبدیل شده و عشق این دو به یکدیگر زبانزد و معروف می‌باشد. اصل حکایت این گونه است که عبدالمحمد اهل لَکَر و خدابس اهل کُتک در شمال شوشتر بودند. این دو نفر عاشق هم هستند، اما پدر خدابس با ازدواج آنها مخالف است و او را به عقد دیگری در می‌آورد. شب عروسی طبق قرار قبلی عبدالمحمد خدابس را می‌دزدد و به کوه فرار می‌کنند. تفنگچی‌های خان آنها را تعقیب می‌کنند، اما نمی‌توانند آنها را بگیرند. پس از مدتی به عبدالمحمد پیغام می‌دهند که او را بخشیده‌اند به شرطی که خسارت داماد اول را بدهد. عبدالمحمد هم با خوشحالی بر می‌گردد، اما به محض رسیدن او را زندانی می‌کنند. خدابس با شنیدن این خبر خود را در رودخانه غرق می‌کند و عبدالمحمد هم پس از چند سال از زندان فرار می‌کند، شعرای خوش ذوق بختیاری گاهی در اشعارشان به این روایت عاشقانه نافرجام اشاره‌ای داشته‌اند. (داوودی حموله، ۱۳۹۳: ۸۵۲-۸۶۱)
- منابع**
- آدام، ژان میشل و فرانسوا زرورار (۱۳۸۵). *تحلیل انواع داستان*. ترجمه آذین حسین‌زاده و کتابیون شهپرراد. چاپ ۲. تهران: قطره.
- احمدی اورک، امیرحسین (۱۳۷۷). *گلچین تاریخ و فرهنگ بختیاری*. شهرکرد: انتشارات ایل.
- افسر بختیاری، داراب (۱۳۸۷). *دیوان اشعار*. نوروزی غلامعباس (ویراستار). تهران: آرزان.
- امینی، امیرقلی (۱۲۹۹). *هزار و یک سخن در امثال و حکم*. تهران: فردوس.
- آرین پور، یحیی (۱۳۸۲). *از نیما تا روزگار ما*. تهران: زوار.
- بیشوب، ایزابلا (۱۳۷۵). *از بیستون تا زرد کوه بختیاری*. ترجمه مه‌راب امیری. تهران: نشر آرزان.
- بیهقی، حسین‌علی (۱۳۶۷). *پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران*. مشهد: اداره موزه آستان قدس رضوی.
- حسین‌زاده، مسعود (۱۳۹۳). *گردآوری و بررسی و تحلیل ادبی و فرهنگی سوگ سروده‌های عامیانه بختیاری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شهرکرد: دانشگاه پیام‌نور.
- حسینی، بیژن (۱۳۷۶). *اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری*. جلد ۱. اصفهان: شهسواری.
- خانجانی. ژایلا (۱۳۹۵). «نگاهی اجمالی به ادبیات عامه قوم بختیاری». مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی ابعاد جدید علم زبان. صص ۴۲۷-۴۳۶.
- خسروی، عبدالعلی (۱۳۷۲). *تاریخ و فرهنگ بختیاری*. چاپ ۲. تهران: فرهنگ‌سرا.

- اصفهان: ایل. _____ (۱۳۷۵). فرهنگ و ادبیات بختیاری.
- اصفهان: ایل. خسروی. عبدالعلی (۱۳۸۴). بختیاری در جلوه‌گاه فرهنگ. چاپ ۲. جلد ۵. اصفهان: شهسواری.
- دانشور علوی، نورالله (مجاهد السلطان) (۱۳۷۷). جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری (تاریخ مشروطه ایران). تهران: آنزان.
- داوودی حموله، سریا (۱۳۹۳). دانشنامه قوم بختیاری. اهواز: معتبر.
- رضایی، حمید و ظاهری عبده‌وند، ابراهیم (۱۳۹۲). «تصویر زن در قصه‌های عامیانه بختیاری». زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۲، صص ۲۳۹ - ۲۶۰.
- _____ (۱۳۹۴ الف). «جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری». دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۳، شماره ۶، صص ۲۰ - ۴۲.
- _____ (۱۳۹۴ ب). «تأثیر جنسیت بر اشعار عامه بختیاری». ویژه‌نامه آواها و نواها و اشعار عامه در فرهنگ مردم ایران، سال ۳، شماره ۷، صص ۴۴ - ۷۰.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۴). مبانی انسان‌شناسی. چاپ ۶. تهران: عطار.
- رئیزی، داراب (۱۳۷۰). گلبانگ بختیاری. تهران: عشایری.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۶). «فولکلور شناسی از روش تا معنی». فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۰، صص ۹ - ۱۶.
- سرلک، رضا (۱۳۸۵). آداب و رسوم و فرهنگ عامه ایل بختیاری چهارلنگ. تهران: طهوری.
- سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان) (۱۳۶۲). ترجمه اسکندر امان‌اللهی بهاروند. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- سلیمانی، روشن (۱۳۸۴). ترنه‌ها آفتو. قم: شهاب-الدین.
- _____ (۱۳۸۷ الف). وارگه آفتو. قم: ایده گستر.
- _____ (۱۳۸۷ ب). تنگ منار. قم: ایده گستر.
- _____ (۱۳۸۹). طم دهن خلد. قم: ایده گستر.
- شفیعانی، منوچهر و داوری بابادی، بهرام (۱۳۹۵). فرهنگ عامه بختیاری (پژوهش‌های فولکلوریک). جلد ۱. نشر تمی.
- شیخی، کمال (۱۳۹۳). ترانه‌های عامیانه لری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شهرکرد: دانشگاه پیام‌نور.
- صالحی، علی (۱۳۶۹). فرهنگ واژگان بختیاری. تهران: اطلس.
- عبداللهی موگویی، احمد (۱۳۷۲). ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری. جلد ۱. اصفهان: مؤسسه فردا.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۳ الف). ادبیات عامه بختیاری. شهرکرد: نیوشه.
- _____ (۱۳۹۳ ب). شیر سنگی. شهرکرد: نیوشه.
- کلاین برگ، اتو (۱۳۹۵). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: نشر اندیشه.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۴). ایران از آغاز تا اسلام. مترجم محمد معین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لایارد، سر اوستن هنری (۱۸۴۰). سفرنامه هنری لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران. ترجمه مهربامیری (۱۳۶۷). تهران: آنزان.

- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ادبیات عامیانه ایران* (مجموعه مقالات درباره افسانه او آداب و رسوم مردم ایران). به کوشش حسن ذوالفقاری. جلد ۴. تهران: چشمه.
- مددی، حسین (۱۳۸۶). *نماد در فرهنگ بختیاری*. اهواز: مهزیار.
- مقصودی، سوده و پژمان شیرمردی، پژمان (۱۳۹۳). «بررسی مفاهیم سوگ در قوم بختیاری با تأکید بر تحلیل موسیقی گاگریو». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، شماره ۲، صص ۳۰۹-۳۲۹.
- مکین روز، الیزابت (۱۳۷۳). *با من به سرزمین بختیاری بیایید*. ترجمه مهراب امیری. تهران: انتشارات سهند.
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶). *ادبیات داستانی*. تهران: انتشارات علمی.
- ناصری، مهرداد (۱۳۹۲). *تش بی دی (گزیده شعر بختیاری شاعران شوستر)*. قم: دارالکتاب.
- هدایت، صادق (۱۳۵۶). *نیرنگستان*. تهران: جاوید.

